

A 17 - 131  
۱۷ الف - ۱۳۱

CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحد

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. A 17

Date of filing: 14-APR 86

\*\* AWARD - Type of Award \_\_\_\_\_  
- Date of Award \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision F \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of Concurring opinion of Charles Brouer & Holtzman  
- Date 14-APR 86  
\_\_\_\_\_ pages in English 12 pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
CONCURRING OPINION OF CHARLES N. BROWER  
IN WHICH HOWARD M. HOLTZMANN JOINS

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ

Case No. A17  
Full Tribunal

پروندهء شماره الف - ۱۷  
دیوان عمومی  
تصمیم شماره ۳۷ - الف ۱۷ -  
دیوان عمومی  
ایالات متحدهء آمریکا  
و  
جمهوری اسلامی ایران

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	14 APR 1986 تاریخ
۱۳۶۵ / ۱ / ۲۵	
No.	A17 شماره

English version Filed on 18 June 1985 نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۵ / ۳ / ۲۸ ثبت شده است.
---

نظر موافق چارلز آن -- بر اور با اتفاق نظرها وارد ام - هولتزمن

DUPLICATE ORIGINAL  
نسخه برابر اصل

مقدمه

اینجانبان با تصمیم دیوان عمومی در مورد این پرونده موافقیم ولی، ما پس از بررسی دقیق وجود یا عدم صلاحیت دیوان (۱) در تفسیر سندی تعهدات به ایمن نتیجه رسیده ایم. (۲)

(۱) . با اینکه هیچیک از طرفین، هیچگونه اعتراض صلاحیتی در این پرونده عنوان نکرده است، ولی " در اجرای وظایف قضائی، محدودیتهای ذاتی معینی وجود دارد که یک دادگاه به عنوان یک مرجع دادخواهی هیچگاه نمیتواند آنها را ندیده بگیرد."

Nothern Cameroons (Preliminary Objections) (Cam. v. U.K.), 1963 I.C.J. Reports 15, 29 (Judgment of 2 Dec.). See Gross, "Limitations Upon the Judicial Function," 58 Am. J. Int'l L. 415 (1964).

(۲) . تعهدات دولت ایالات متحدهء آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیهء دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر .  
reprinted at 1 Iran-U.S. C.T.R. 13 ("سندی تعهدات")

با توجه به استنادات مکرر طرفین به صلاحیت تفسیر دیوان، تصور میکنیم تشریح بیشتر روش ما که منجر به این نتیجه‌گیری شده است، خالی از فایده نباشد که گرچه صلاحیت تفسیر دیوان به طور معمول به سند تعهدات تسری نمی‌یابد، دولت‌های طرف بیانیه چنین صلاحیتی را در این پرونده به دیوان تفویض نموده‌اند. (۳)

## اول

موافقتنامه‌های الجزیره با یدطبق "معانی معمول" خود تفسیر شوند

دروهمه اول لزوماً "باید قواعد مورد استفاده در تفسیر مشخص شود."

این امر مورد قبول همگان است که قواعد تفسیر، در کنوانسیون وین درباره قانون معاهدات مدون گردیده است.

opened for signature 23 May 1969, U.N. Doc. A/Conf. 39/27 (entered into force 27 January 1980), reprinted at 8 Int'l Legal Mat'ls 679 (1969). (۴)

این دیوان در تفسیر موافقتنامه‌های الجزیره بارها به کنوانسیون فوق تمسک جسته (۵) و دولت‌های طرف بیانیه‌ها، کنوانسیون مزبور را در تفسیر قانون حاکم شمرده‌اند. (۶)

(۳) اهمیت بیشتر مسئله صلاحیتی که در اینجا عنوان گردیده از اینجا معلوم می‌شود که "از تعداد ۴,۸۳۴ معاهده‌ای که در فاصله بین ۱۹۲۰ و ۱۹۴۶ در جامعه ملل به ثبت رسیده و از ۱۲,۵۰۰ معاهده‌ای که از ۱۹۴۶ تا کنون در سازمان ملل متحد ثبت شده، تعدادی در حدود ۴,۰۰۰ معاهده حاوی ماده خاصی جهت حل و فصل مسألت آمیز اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای خود معاهده می‌باشند." Sohn, "Settlement of Disputes Relating to the Interpretation and Application of Treaties", 150 Recueil des Cours 195, 259 (1976).  
پروفسورسون ملاحظاتی خود را چنین ادامه می‌دهد که "در اغلب موارد، ماده مربوط به مصالحه، شامل کلیه اختلافات راجع به تفسیر و اجرای معاهده می‌گردد." شامل Id. at 271

de Aréchaga, "International Law in the past Third of Century" 159 Recueil des Cours 1, 42 (1978) (۴)

("قواعد حقوقی مربوط به تفسیر معاهدات، یکی از بخش‌های کنوانسیون وین است که بدون هیچ‌رای مخالفی در کنفرانس تصویب شد و بنا بر این میتوان آنرا قانون اعلامی موجود تلقی نمود").

(بقیه زیر نویس در صفحه بعد)

ماده ۳۱ (کنوانسیون وین) مقرر می‌دارد که "عبارات معاهده را باید در زمینه‌ای که بکار رفته‌اند و با توجه به هدف و منظور معاهده، به طور معمول معنی کرد."

تنها اصل تفسیری که باید تقریباً "در کلیه موارد اعمال شود، این ماده است .

معاهده وین به بحث‌های گذشته در باب عقلانی بودن اظهار نظرهای دیوانهای بین‌المللی مبنی بر لزوم تفسیر مضیق محدودیت‌های قدرت حاکمیت<sup>(۷)</sup> پایمان بخشید. قاعده تفسیر محدود که گاهی قاعده تفسیر مضیق نامیده می‌شود به اسنادی که ظاهراً "در حکم رضایت یک دولت به صلاحیت یک دیوان بین‌المللی است، نیز تسری یافته است. (۸)

(بقیه زیر نویس از صفحه قبل)

(۵) . مثلاً رجوع شود به: جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، صفحات ۱۴ و ۱۵ تصمیم شماره ۳۲-الف-۱۸ مورخ ۶ آوریل ۱۹۸۴ (۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۳) دیوان عمومی.

بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر (بیانیه عمومی) تیک reprinted at 1 Iran-U.S.C.T.R. 3 و مردمی الجزایر درباره حل و فصل ادعاها توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران (بیانیه حل و فصل ادعاها) reprinted at 1 Iran-U.S.-C.T.R. 9 گاهی مجتمعا " موافقتنامه‌های الجزایر نامیده می‌شوند .

(۶) . مثلاً رجوع شود به: جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، صفحات ۱۴ و ۱۵ تصمیم شماره ۳۲-الف-۱۸ مورخ ۶ آوریل ۱۹۸۳ (۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۳) . همچنین رجوع شود به صفحه ۸۸ صورت مذاکرات در استماع پرونده الف-۱ مورخ ۸ مارس ۱۹۸۲ (۷ اسفندماه ۱۳۶۰) که در تاریخ ۱۱ مارس ۱۹۸۲ (۱۰ اسفندماه ۱۳۶۰) به ثبت رسیده است .

(۷) . رجوع شود مثلاً به: Free Zones of Upper Savoy and the District of Gex (Fre. v. Switz.), 1932 P.C.I.J., ser. A/B, No. 46, at 167 (Judgment of 7 June) . ("در صورت وجود تردید، محدودیت قدرت حاکمیت باید بطور مضیق تفسیر گردد.") .

(۸) . رجوع شود مثلاً به :

Montefiore Claim (Italy v. Fr.) (Franco-Italian Conciliation Comm'n 7 Dec. 1955), reprinted at 22 Int'l L. Rep. 340; 842-43

"ماده مربوط به مصالحه، از لحاظ صلاحیت داور یادآور آن، بالاخر در محیط بین‌المللی نباید مورد تفسیر موسع (گسترده) قرار گیرد .  
I.C.C. Case No. 2138 (1974) ("Attendu que les clauses compromissaires sont d'interprétation stricte"), quoted in 102 Journal du Droit International 934 (1975) .

اما در صورت، اصل مزبور هیچگاه قبولی عام نیافت. (۹) در واقع، یکی از نویسندگان و محققین دانشمند حقوق چنین استنتاج نمود که اصل مزبور اگر هم کاربردی داشته باشد، "تنها در مواردی است که کلیه ملاحظات دیگر... منتج به

نتیجه نمی‌شود."

Lauterpacht, "Restrictive Interpretation and the Principle of Effectiveness in the Interpretation of Treaties," 26 Brit. Y.B. Int'l L. 48, 67 (1949). (۱۰)

(۹) رجوع شود مثلاً به:

Case Concerning Article 181 of the Treaty of Neuilly (Preliminary Question) (Greece v. Bulgaria) (Oster J. Int'l L. 760, 773 (1934))

"در صورتیکه... دلایل مؤید صلاحیت داور، موجه‌تر از دلایل خلاف آنست، دلایل سابق الذکر باید مورد قبول قرار گیرد." (همچنین رجوع شود به:

S.S. Wimbledon (U.K., Fr., Italy & Japan v. Ger.), 1923 P.C.I.J., ser. A, No. 1, at 24-25 (Judgment of 17 Aug.),

(۱۰) حتی در تفسیر موافقتنامه‌های داوری ما بین یک دولت و یک طرف خصوصی که در آن کنوانسیون وین قابل اعمال نیست و به خصوص ممکن است استدلال شود که اصل برای این است که یک دولت، قصد چشم‌پوشی از حق حاکمیت خود ندارد توصیه شده است که روشی خالی از هرگونه تعصب در تفسیر اتخاذ شود. قرارداد داوری نیز مانند هر قرارداد دیگری باید به طور مضیق و نه در واقع به طور موسع و گسترده مورد تفسیر واقع شود، بلکه باید به صورتی تفسیر شود که منتهی به کشف نیت طرفین و احترام به آن گردد؛ چنین روش تفسیر چیزی نیست جز اجرای اصل اساسی محترم شمردن قراردادها Pacta Sunt Servanda که در حقیقت در همه سیستمهای حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی متعارف است (باتاء کید در اصل).

Amco Asia Corporation v. Indonesia (Jurisdiction), (B. Goldman, I. Foighel and E. Rubin, arbs., Award of 25 Sept. 1983), reprinted at 22 Int'l Legal Mat'ls 351, 359 (1983). See also Lalive, "The First 'World Bank' Arbitration (Holiday Inns v. Morocco)-- Some Legal Problems," 51 Brit. Y.B. Int'l L. 123, 151-55 (1982).

بنا بر این، ما مسئله صلاحیت در پرونده حاضر را بدون انحراف در تفسیر که عامداً بسیط است و نه به دلخواه محدود بررسی نموده و صرفاً می‌خواهیم مشخص کنیم که آیا موافقتنامه‌های الجزایر به "معنای معمول" عبارت خود، صلاحیت رسیدگی به پرونده حاضر را به دیوان می‌دهد یا نه. (۱۱)

## دوم

صلاحیت تفسیر که در موافقتنامه‌های الجزایر داده شده است شامل  
تفسیر سند تعهدات نمی‌گردد

موافقتنامه‌های الجزایر حاوی هیچگونه عبارت صریحی نیست که به این دیوان اختیار تام در تفسیر و کاربرد سند تعهدات اعطاء نماید و در واقع بطور ضمنی چنین اختیار را مستثنی نموده است.

اختیار و صلاحیت دیوان در تفسیر و کاربرد در سه بند جداگانه در موافقتنامه فوق‌الذکر تعیین گردیده است: بند ۴ ماده شش بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که:

در مورد هر مسئله‌ای درباره تفسیر و اجرای این بیانیه  
به تقاضای ایران یا ایالات متحده، توسط هیئت داوران اتخاذ  
تصمیم خواهد شد. (تأکید اضافه شده است).

(۱۱). این روش توسط اکثریت اعضای این دیوان مورد عمل واقع شده است. برای مثال رجوع شونده: ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۵ حکم شماره ۱۲-الف-۱ مورخ ۳ اوت ۱۹۸۲ (۱۲ مرداد ماه ۱۳۶۱) دیوان عمومی مندرج در Iran.U.S. C.T.R. 189, 190, 192 و نظر مخالف آقای لاگرگرن رئیس دیوان ("به علاوه با این نظر اکثریت نیز موافقم... که قاعده تفسیر به اصطلاح "محدود نباید طوری اعمال شود که باعث محدودیت تعهدات یک دولت حاکم به زیان مزایای مقرر در معااهده برای دولت حاکم دیگر گردد.") مندرج در Iran-U.S. C.T.R. 197, 198 و نظر مستقل آقایان آلدریج، هولتزمن و ماسک اعضای دیوان مندرج در Iran-U.S. C.T.R. 200-01 در مورد نادری که دیوان عبارت "تفسیر مضیق" را به کار برده است، از سیاق عبارت معلوم شده است که نظر دیوان در حقیقت این بوده است که "معنای معمول" کلمات تفسیر شود. برای مثال رجوع شونده: سازمان گمرک ایران و ایالات متحده آمریکا، صفحات ۳ و ۴ حکم شماره ۱۰۵-ب-۱۶ مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۸۴ (۴ بهمن ۱۳۶۲) و نیز رجوع شونده: آلکساندر لیونز لیونزوف و جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۴ و ۵ حکم شماره ۱۰۴-۱۸۳-۱ مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۳ (۳۰ دی ۱۳۶۱).

بند ۳ ماده ۶ دو همان بیانیه مقرر می‌دارد که :

" همانگونه که در بندهای ۱۶ و ۱۷ بیانیه عمومی مذکور است، هیئت داور (دیوان) صلاحیت رسیدگی به هرگونه اختلاف مربوط به تفسیر یا اجرای هر یک از مواد مندرج در آن بیانیه را خواهد داشت. (تاکید اضافه شده است).

بند ۱۷ بیانیه عمومی در قسمت ذیربط مقرر می‌نماید که :

چنانچه اختلافات دیگری (غیر از اختلاف بر سر داری‌های شاه سابق و بستگان نزدیک وی که ترتیب حل و فصل آن در بند ۱۶ مقرر شده است) درباره تفسیر یا نحوه اجرای هر یک از مقررات این بیانیه بین طرفین بروز نماید، هر یک از طرفین میتوانند اختلاف را به هیئت داور که بر اساس بیانیه حل و فصل ادعاها و مطابق شرایط مقرر در آن تشکیل گردیده است و رأی آن لازم الاجرا خواهد بود ارجاع نماید. تصمیمات هیئت مزبور درباره چنین اختلافاتی، مشتمل بر احکام پرداخت غرامت، خسارت حاصله از عدم اجرای این بیانیه و یا بیانیه حل و فصل ادعاها میتواند از سوی طرف ذینفع در دادگاههای هر کشوری مطابق قوانین آن کشور به موقع اجراء گذارده شود. (تاکید اضافه شده است).

این مواد تفویض کننده صلاحیت، تنها به دو سند که مواد مزبور در آنها آمده، اشاره دارند و صراحت مفاد آنها بسیار چشمگیر است. با آنکه سند تعهدات و نیوز در موافقتنامه فرعی یعنی موافقتنامه آمانی و ترتیبات فنی<sup>(۱۲)</sup> همزمان با موافقتنامه‌های الجزایر و به منظور اجرای آنها به امضاء رسید، به هیچیک از آنها در بیانیه حل و فصل دعوی اشاره‌ای نشده است. در بند ۲ بیانیه عمومی به سند تعهدات یکبار اشاره شده است.<sup>(۱۳)</sup> اما از ساختمان عبارات موافقتنامه‌های (الجزایر) معلوم می‌شود که اسناد مربوطه مندرج در بیانیه (عمومی) با اشاره بدانها در عبارت

(۱۲). موافقتنامه آمانی مندرج در: Iran-U.S. C.T.R. 16 موافقتنامه سه ترتیبات فنی بین بانک مرکزی الجزایر رئیس و شرکت بانک انگلیس و بانک فدرال رزرو نیویورک مندرج در Iran-U.S. C.T.R. 20.

(۱۳). بند ۲ بیانیه عمومی علاوه بر مطالب دیگر مقرر می‌دارد که " ترتیبات خاصی برای اجرای تعهدات مطروحه در بیانیه عمومی و بیانیه حل و فصل ادعاها بطور جداگانه در سند تعهدات پیش بینی شده است."

"این بیانیه" در بند ۱۷، جزئی از آن محسوب نشده است. چنانچه اسناد مورد اشاره در عبارت فوق جزئی از آن بیانیه محسوب می‌گردید. با توجه به اینکه بیانیه حل و فصل دعاوی در چندین بند بیانیه عمومی ذکر شده است (۱۴)، نیازی به بند ۴ ماده چهارم بیانیه حل و فصل دعاوی که فوقاً نقل گردید نبود. همچنین در این صورت نیازی به جمله دوم بند ۱۷ بیانیه عمومی (که آن نیز فوقاً نقل گردیده) جهت عطف به بیانیه حل و فصل دعاوی نبود.

علیرغم آنکه بیانیه حل و فصل دعاوی "منضم" به بیانیه عمومی بوده (رجوع شود به اشارات مندرج در بندهای ۹ و ۸ و ۹)، تا آنجا که به تفویض صریح صلاحیت تفسیر مربوط می‌شود، بدیهی است که در نبود تفویض صریح صلاحیت در هر مورد، چنین صلاحیتی نسبت به سندها که "بطور جداگانه پیش بینی گردیده" (بند ۲ بیانیه عمومی) وجود ندارد. (تاء کیدا ضافه شده است). (۱۵)

(۱۴). از بیانیه حل و فصل ادعا در بندهای ۲، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۶ و ۱۷ بیانیه عمومی نام برده شده است. لزوم درج بند ۴ ماده شش بیانیه حل و فصل ادعاها صرفاً "به علت اختلاف در عبارات مجوز اختیار رسیدگی یعنی اختلاف در عبارت "تفسیر یا اجرا" که در بند ۴ ماده شش بیانیه حل و فصل ادعاها ("منشور" اصلی دیوان) به کار رفته و عبارت "تفسیر یا نحوه اجراء" که در بند ۱۷ بیانیه عمومی (که مشتمل بر تعهدات اساسی دولت است)، بعید می‌باشد. این تفاوت در ساختمان عبارات با توجه به ماهیت اسناد دعاوی عبارات مزبور قابل درک است اما از لحاظ تفسیر حاضر بین آن دو تفاوتی نیست.

(۱۵). مقایسه شود با طرز بیان کلی عبارتی که ذیلاً مورد بحث قرار گرفته است:

Affaire de L'Interprétation d'une Disposition de la Convention de Commerce entre la France et la Suisse et du Procès-Verbal signé à Berne le 20 Octobre 1906 (Fr.v. Switz.) (Borel, Plichon & Reay arbs., Award of 3 Aug. 1912), reprinted at 11 R. Int'l Arb. Awards 411:

Article 24. Si une contestation venait à surgir entre les parties contractantes au sujet de l'interprétation de la présente Convention ou de ses annexes, ainsi qu'au sujet de l'application des droits fixés dans les traités à tarifs conclus par les parties contractantes avec des puissances tierces, et même s'il s'agit de la question préjudicielle de savoir si la contestation se rapporte à l'interprétation de la Convention, cette contestation sera tranchée, sur la demande de l'une ou de l'autre partie, par voie d'arbitrage, dans les conditions prévues à l'annexe E.



این نتیجه به ویژه با توجه به مفاد بند ۲- ب سندها در باره حل و فصل کلیه اختلافاتی که طبق پیش بینی دودولت از سندها ناشی می شود، توجیه می گردد. رجوع شود به بخش سوم در زیر.

خود دولتهای طرف بیانیه در مورد حدود صلاحیت این دیوان در تفسیر و کاربرد (موافقتنامهها) در تردید بوده اند. هنگامیکه چهار اختلاف جداگانه را جع به حساب تضمینی بین دودولت بروز کرد، (رجوع شود به: ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران تصمیم شماره الف-۸ مورخ ۱۷ مه ۲۷/۱۹۸۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ دیوان عمومی و تصمیم الف-۱۲ مورخ ۳ اوت ۱۲/۱۹۸۲ مرداد ماه ۱۳۶۱ دیوان عمومی

reprinted at 1 Iran-U.S. C.T.R. 144 and 1 Iran-U.S. C.T.R. 189).

با آنکه حساب مزبور به موجب بند ۷ بیانیه عمومی افتتاح شده بود، دودولت دو مصالحه نامه خاص امضاء نمودند. اختلافات فوق الذکر شامل اختلاف نظرهای ضمنی درباره مفاد موافقتنامه ترتیبات فنی و نیز موافقتنامه فنی که بعداً "بیا بانک هلند (De Nederlandsche Bank N.V.)" به امضاء رسیدنیسز می گردید. مندرج در (۱۶) Iran-U.S. C.T.R. 29

علاوه بر این، در پرونده حاضر در تفسیر اعمال هر یک از دو بیانیه عمومی (حل و فصل) در این پرونده، لزومی ندارد که بند ۲- ب سندها در مورد بررسی قرار گیرد، زیرا هیچیک از آن دو بیانیه، متضمن تعهد مربوط و خاصی نیست. درست است که در اصول الف و بیانیه عمومی مقرر شده است که ایالات متحده "حتی الامکان وضعیت مالی ایران را به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹)

(۱۶). در آن خصوص، موضوع بر اساس این مصالحه نامهها مشترکاً "توسط دودولت به دیوان ارجاع نگردید، بلکه صرفاً" توسط ایالات متحده به استناد مصالحه نامه مورد توافق تقدیم شد. رجوع شود به نامه آقای آرتور دبلیو. رواین نماینده ایالات متحده که در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۸۱ (۱۷ مهر ۱۳۶۰) در پرونده الف-۱ ثبت شد.

به نظر میرسد که دیوان تصمیمات خود در پرونده الف-۱ را حداقل تا حدودی بر مبنای صلاحیت تفسیری واجرائی خود اتخاذ نموده است. رجوع شود به: ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۳۰۲ تصمیم شماره الف-۱۲- الف ۱ اف- تی مورخ ۳ اوت ۱۹۸۲ (۱۲ مرداد ۱۳۶۱) مندرج در

1 Iran-U.S. C.T.R. 189, 190.

با خواه‌گردداند" و "قصد هر دو طرف ... اینست که کلیه دعاوی بین هر دولت با اتباع دولت دیگر را لغو ... نمایند"، اما بطوری که در پرونده الف-۲ اظهار گردید، مطالب فوق اصول کلی است که معنای آنها فقط با در نظر گرفتن "مفاد مشخص دو بیانه" به وضوح مستفاد می‌گردد. " ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، صفحه ۴ تصمیم شماره الف-۲ مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ (۶ بهمن ماه ۱۳۸۰) دیوان عمومی. در پرونده حاضر صرفاً " از دیوان درخواست نشده که از بند ۲- ب در تفسیر بخش خاصی از هریک از موافقتنامه‌های الجزایر کمک بگیرد بلکه در حقیقت از دیوان درخواست شده است که بند ۲- ب را تفسیر نماید. (۱۷)

### سوم

دیوان بموجب بند ۲- ب سند تعهدات، صلاحیت رسیدگی به پرونده حاضر را ندارد.

بخش مربوطه بند ۲- ب سند تعهدات مقرر می‌دارد که :

در صورتیکه طی ۳۰ روز، هریک از مؤسسات بانکی آمریکا و بانک مرکزی ایران نتوانند در مورد مبالغ متعلقه به توافق برسند، هریک از طرفین میتواند این اختلاف را به حکمیت الزام‌آور (لازم‌الاجرا) توسط هیئت داوران بیسن-المللی بطریقی که مورد توافق طرفین باشد، ارجاع نماید، و یا در صورتیکه چنین توافقی تا ۳۰ روز پس از ارجاع مسئله به حکمیت حاصل نگردد، به هیئت حل و فصل دعاوی ایران و آمریکا رجوع کند.

(۱۷). در پرونده Mavrommatis Palestine Concessions, 1924 P.C.I.J., Ser. A, No.2 (Judgment of 30 Aug.) به قول کرنی در "Sources of law and the International Court of Justice" in 2 The Future of the International Court of Justice 610,624 (L.Gross ed. 1976)

"مسائل حقوقی حقیقی آن بی‌نهایت پیچیده است" دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی به سند مربوطی جهت کمک در امر تفسیر فقط به این علت توجه نمود که روشن بود که قصد تنظیم کنندگان آن بوده که عبارت مورد تفسیر در سند به وسیله قسمتی از سند مربوط تعریف شود. در پرونده Mavrommatis اشاره در سند مربوطه، معنای عبارت مندرج در سند مورد تفسیر را کاملاً مشخص می‌کرد. در پرونده حاضر، تعهدات مندرج در بند ۲- ب مستقل بوده و در هنگام توافق دو طرف به سند تعهدات تقبل گردیده بود.

بانک مرکزی (ایران) حسب ادعا به استناد بند فوق متجاوز از یکصد پرونده در این دیوان به ثبت رسانیده که هیچیک از آنها تحت پرونده حاضر در دیوان مطرح نیست. (۱۸)

نه بانک مرکزی و نه "هیچیک از موء سسات بانکی ایالات متحده" طرف این دادرسی است. پرونده الف - ۱۷، فقط مربوط به دودولت است و حتی یک مورد متنازع فییه مشمول حوزه صلاحیت بند ۲- ب را در دیوان مطرح نمی نماید.

در بند ۲- ب هیچ صلاحیتی برای دیوان جهت "تفسیر و اعمال" سند تعهدات خارج از چهار چوب اختلاف خاص بین بانک مرکزی و یک موء سهء بانکی ایالات متحده مطرح نگردیده و مبنائی برای استنباط چنین صلاحیتی وجود ندارد. موقعی که از این دیوان خواسته شد که به عنوان یک مرجع علی البدل در حل و فصل اختلافات مذکور در بند ۲- ب عمل کند، ظاهراً "قصد این بوده است که دیوان تنها آن اختیاراتی را که به "هیئت داورى بین المللی" که دیوان به جای او عمل می کند، تفویض شده است، اعمال نماید. دلیلی وجود ندارد که تصور شود که منظور از استفاده از این دیوان به عنوان یک مرجع علی الاصول خود بخود به معنای استفاده از همه اختیاراتی بوده که موافقتنامه های الجزایر به آن مرجع تفویض گردیده است. در واقع، از تجزیه و تحلیل مندرج در قسمت دوم فوق، عکس این استنباط می گردد.

### چهارم

#### طرفین، صلاحیت رسیدگی به این پرونده را به دیوان اعطاء نموده اند

اینجانبان می دانیم که دولتهای طرف بیانیه حق تعدیل صلاحیت این دیوان را چه بطور اعم و چه بطور اخص در مورد یک اختلاف مشخص برای خود حفظ کرده و در گذشته این حق را اعمال نموده اند. جا دارد که از نحوه عمل دودولت در ارجاع و تعقیب این پرونده (در این دیوان) بدون اعتراض در مورد صلاحیت، استنباط شود که

---

(۱۸). بانک مرکزی (ایران) حسب ادعا به استناد بند ۲- ب تعداد ۱۴۸ ادعا در دیوان به ثبت رسانده است. در جلسه استماع معلوم شد که تعداد ۱۱۱ فقره از این ادعاها هنوز (در دیوان) مطرح است.

صلاحیت اعطاء شده است . بطوریکه دیوان دائمی دادگستری بین المللی در پرونده حقوق اقلیت ها اظهار نظر نمود :

تردید نیست که رضایت یک دولت در ارجاع یک اختلاف به دیوان نه تنها از اظهار صریح آن دولت بلکه از اقداماتی که بطور قاطع رضایت آن دولت را تأیید نماید، نیز قابل استنباط است . مشکل بتوان انکار نمود که ارائه استدلال در ماهیت دعوی بدون حفظ حق در مورد مسئله صلاحیت باید به منزله نشانه قاطع تمایل آن دولت به تحصیل حکمی در ماهیت دعوی تلقی گردد .

Rights of Minorities in Upper Silesia (Minority Schools)  
(Ger. v. Pol.), 1928 P.C.I.J., ser. A, No. 15, at 24  
(Judgment of 26 Apr.).<sup>19</sup>

همانطور که این مطلب در مورد طرفین دعوائی در دیوان دادگستری بین المللی (که با همکاری سایر کشورها تاسیس گردیده) صادق است، به طریق اولی در مورد دولت طرف در مرجعی که خود به تنهایی ایجاد کرده اند نیز صادق می نماید .

See also Haya de la Torre (Colom. v. Peru), 1951 I.C.J. 71, 78 (Judgment of 13 June) . (۱۹)

( "طرفین در پرونده حاضر به صلاحیت دادگاه رضایت داده اند . طرفین در ماهیت کلیه موضوعات و مسائل تقدیمی به دادگاه بحث کرده نسبت به تصمیم متخذه در ماهیت امر اعتراضی به عمل نیا شده است . همین طرز عمل طرفین کافی است که به دادگاه صلاحیت رسیدگی بدهد . " )

1 S. Rosenne, The Law and Practice of the International Court 357 (1965).

( "اعطای صلاحیت رسیدگی (به دادگاه) می تواند به موجب رضایت ضمنی طرفین دعوا که از طرز عمل آنها در طرح مسائل ماهوی ادعا ... بدون بحث در مسئله صلاحیت، استنباط شود، به عمل آید . " ) . این مبنا ی صلاحیت که به Forum Prorogatum مشهور است مفصلاً توسط (Rosenne) در صفحات ۲۲-۳۱۹ و ۳-۳۴۴ همان مرجع مورد بحث قرار گرفته است .

بنا به مراتب فوق، اینجانبان به این نتیجه می‌رسیم که دیوان صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارد. (۲۰)

لاسه

به تاریخ ۱۳ مه ۱۹۸۵ (۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴)

Charles d. Brown

چارلز. ان. براوئر

[Signature]

ادوارد ام. هولتزمن بعنوان موافق با نظر فوق

(۲۰). در رسیدن به این نتیجه، این امر نیز موجب جمعیت خاطر اینجانبان است که نظرات اصلی در تصمیم دیوان عمومی (در این پرونده) با نظر دیوان در پرونده‌های: ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران و بانک ملت و ایالات متحده حکم شماره ۱۰۸- الف ۵۹۱/۵۸۲/۱۶ دیوان عمومی مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۸۴ (۵ بهمن ۱۳۶۲) مطابقت دارد، که در آن هیچگونه تردیدی در صلاحیت (دیوان) نمی‌توانست وجود داشته باشد زیرا حکم مزبور حداقل تا حدودی مبتنی بر موضوع متنازع فیه خاصی بود که طبق دستور شماره ۱۶ مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۸۱ - ریاست دیوان به دیوان عمومی احاله شده بود.